

سبک زندگی، ازدواج، رسم و رسوم ازدواج

مارسوم مون نیست!

سارا مؤمنی

دانشجوی دکتری مدیریت رسانه



این زیبایی‌ها زمانی رو به زشتی می‌رود که رسیدن به آن تبدیل به یک «باید» و امری ضروری شود. اما بهتر است شرایط، موقعیت، زمان و جهانی که در آن هستیم را در نظر بگیریم و آگاهانه اولویت‌بندی کنیم و دست به انتخاب بزنیم. اولویت‌بندی باعث می‌شود که تمام ظواهر رسم و رسوم و کالا و برنامه‌های مختلف ازدواج به کنار رفته و بر مبنای اولویت‌ها انتخاب کنیم که کدام خان‌ها ما را به مقصدمان که یک زندگی مطلوب است، می‌رساند

«می‌خواهم ازدواج کنم» را که از دوستان، آشنایان و اقوام خود می‌شنویم، شوق و شادی و تیریک در ما جوانه می‌زند و قلباً برای هم خوشحال می‌شویم.

اما همین جمله برآمده از یک سبک زندگی است. اینکه یک فرد در سنین جوانی، میانسالی و حتی پیری تصمیم بگیرد و ازدواج کردن را انتخاب کند، در واقع ابعاد مختلف سبک زندگی خودش از جمله خواب و بیداری، خوراک، پوشاک، مسکن، تفریحات، فرزندآوری و غیره را از افرادی که تمایلی به ازدواج ندارند، مجزا کرده است.

از زمان این تصمیم و انتخاب تا جشن ازدواج و راهی خانه و زندگی مشترک شدن، هر فردی به تبع کشور، فرهنگ و خانواده‌اش، با مسائل مختلفی روبه‌رو می‌شود که برای حل آنها تبعات و سختی‌های زیادی را باید از سر بگذرانند.

هزار مرحله تا جشن ازدواج؟!

فکر می‌کردیم که حضور در جشن ازدواج دوستان، آشنایان و اقواممان نشانی برای شادی و شادمانی و اشتراک این شادی است. اما امروز ازدواج کردن دو فرد از زمانی که تصمیم می‌گیرند ازدواج کنند تا زمانی که این تصمیم به روز برگزاری جشن ازدواج برسد، باید از دل مسائل مختلفی بگذرد. مراحل پشت سرهم که برای هرکدام از طرفین ازدواج و خانواده‌هایشان به شکلی رقم می‌خورد و آسیب‌ها و تبعات زیادی دارد. در جهانی که امروز خودمان برای خودمان ساخته‌ایم، ازدواج

کردن از یک امر موفق و شادی‌آفرین و ارزشمند به یک برنامه عظیم با فهرستی از وظایف و کارهای مختلف برای میزبانان و میهمانان تبدیل شده که باید مرحله به مرحله آنها را پیش برد.

از «چی بپوشم» یک میهمان بعد از شنیدن خبر ازدواج دو فرد گرفته تا «بله‌برون رو کجا بگیریم» خود دو فرد، همه درگیر و گرفتار آماده کردن خود برای رسیدن به روز موعود که همان جشن ازدواج است، هستند. شاید بد نباشد که با هم گفت‌وگو کنیم و دنبال چربی‌ای ایجاد این مراحل باشیم.

همزمان میدان جشن ازدواج

در این نوشته به تبع تجربه و مشاهده و شرایطی که اغلب ما در جشن ازدواج با آن آشنا شده‌ایم، جشن ازدواج را به یک میدان تشبیه می‌کنم. افراد حاضر در این میدان را به سه گروه هسته‌ای، میانی و پیرامونی تقسیم می‌کنم.

دختر و پسر و والدین آنها گروه هسته‌ای، خاله و عمه و عمو و دایی و پدربزرگ و مادر بزرگ، گروه میانی و میهمانان جشن (ما) گروه پیرامونی این جشن هستند. درونی شدن، وجوب و اجباری بودن ملاحظه و رعایت برخی از رسوم به قدری برجسته است که تمام این گروه‌ها در مواجهه باهم خواسته یا ناخواسته، اما به طور ناآگاه درگیر آن می‌شوند و عملاً به دلیل اضطراب‌های ناشی از امور مختلف برای حضور در جشن به جای

گروه‌ها از یاد برده‌اند و ناچاراً به چاه این میدان افتاده‌اند، همان اصل امر ازدواج و جشن و شادی جمعی برای آن است.

ریسمان رسم‌ها دور گلو جهان

ازدواج در تمام جهان امری پسندیده و البته شادی‌آفرین است؛ اما همین امر مشترک تمام جوامع انسانی، شکل و اجرای متفاوتی دارد و در هر قومیت و فرهنگی به شکلی متفاوت اجرا می‌شود. تصور کنید که روز ازدواجتان این رسم باشد که باقیمانده غذاها و زباله‌ها را روی سر شما بریزند! یا اینکه عروس باشید و به خانواده شما دندان نهنک هدیه بدهند، یا اینکه برای عزیزتر شدن در خانواده عروس در ماه‌های منتهی به جشن ازدواج خانواده شما به زور به شما غذاهای مختلفی بدهند تا جاق بشوید. اینکه باخبر شوید که شب پیش از عروسی همسران را با ترکه چوب کتک بزنند و دیگر رسوم عجیب‌وغریب در دنیا که اگرچه ممکن است معنا و مضمون ارزشمند و قابل توجهی مانند خوشبختی، عزت، موفقیت و غیره داشته باشد، اما وسیله و رسم انجام آن درست، منطقی و البته زیبا نیست. مثال‌هایی که زدم به ترتیب از کشورهای اسکاتلند، فیجی، موریس و کره جنوبی است. رسمی که مردم فرانسه در این مورد دارند، به حدی عجیب و ناگفتنی بود که به آن اشاره نشد. این رسوم در فرهنگ‌های مختلف قومی کشور خودمان اغلب شامل مراسم خواستگاری، بله‌برون، عقدکنان، پاکشا، مادرن‌سلام، ماه‌عسل، جهیزیه و غیره می‌شود که در بودن و نبودن هرکدام از این رسوم و نوع اجرا آنها نیز تفاوت‌های زیادی بین اقوام وجود دارد. باید به این نکته توجه داشت که رسم و رسوم ازدواج، امری واجب و ضروری یا برگرفته از دین و قانون نیست که عدم اجرای آن تبعات منفی داشته باشد. این رسم و رسوم برای زیباتر شدن جشن ازدواجی است که ذاتاً برای اطلاع و اشتراک شادی دو فرد برگزار می‌شود. پس نباید تبدیل به یک ریسمان به دور گلو همه افراد درگیر جشن بشود؛ اصل شادی و جمع شدن به دورهم در جشن ازدواج به حاشیه برود رسم و رسوم محدودکننده، خسته‌کننده و پرهزینه‌جایگزین آن شود و برگزاری امری پیچیده و جانکاه شود.

کدام یک آتش‌پار معرکه شدند؟ رسانه‌های جدید یا قدیم؟

لذت بردن از آن، دوست دارند که زودتر تمام شود. دختر و پسر مطیع امر والدین و به دنبال مطلوبیات خود هستند، والدین به دنبال عزت و افتخار و برگزاری تمام و کمال جشن ازدواج هستند و نمی‌خواهند در جدال چشم و هم‌چشمی پیروز میدان نباشند. خاله و عمو و دیگر اقوام نیز به دنبال بررسی و ارزیابی دقیق برگزاری مراسم هستند و مانع ایجاد تغییر، حذف و یا

ایجاد شکل دیگری از برگزاری جشن خواهند شد. والدین نیز با نگاه احترام‌آمیز سعی می‌کنند دخالت‌های این گروه را دلسوزی برای زوج بدانند. در حالی که زوج هر دو خسته از حضور در این میدان منتظر اتمام مراسم هستند. و ما! به عنوان میهمان این مراسم به دنبال لباس خاص غیرتکراری که فقط کمی بهتر از لباس عروس و داماد نباشد، هدایا آنچنانی و دهن‌پرکن (حتی اگر در توانمان نباشد)، وقت آرایشگاه و دیگر مسائل هستیم که عملاً لحظه ورود به مراسم و جشن، هرکدام احساس می‌کنیم که خسته‌ترین فرد آن میدان هستیم. نکته قابل توجهی که تمام این

می‌شدند. مثلاً فیلم‌هایی در دهه شصت تولید و پخش شدند و مراسم ازدواجی را بازنمایی کردند که در دهه جنگ، امر باورپذیری میان عامه نبود. همین فاصله باعث شد که تصور افکارعامه به این سمت برود که امر درست در ازدواج و مراسم آن، همین زرق‌وبرق و مصرف‌گرایی است که رسانه نشان می‌دهد. حس کافی نبودن و عقب نماندن از دیگران شکل گرفت و بنابراین رسم و رسوم اضافی و پرزحمت و هزینه‌بر رنگ شدند و به تدریج مراحل جدید در امر ازدواج خلق شد، به طوری که اگر خانواده‌ای مثلاً یکی از مراسم را حذف می‌کرد مورد سرزنش و مذمت دیگران قرار می‌گرفت. این مسأله با آمدن رسانه‌های جدید شدت گرفت. افراد فقط مخاطب نبودند، با شروع امر خواستگاری و نامزدی، عضویت خود در شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی را آغاز کرده تا زمان ازدواج و پس از آن و حتی بچه‌دار شدن با اهداف مختلفی مانند کسب درآمد و تبلیغات، سبکی از زندگی را نشان دادند که نه تنها تمام افراد میدان ازدواج را بازپچه خود ساختند بلکه خود نیز در پشت‌صحنه این کیفیت و رنگ و جذابیت، خسته از تمام این بازنمایی‌ها، مصرف و پررنگ شدن مراسم شدند. برای همین شناخت رسانه و چگونگی استفاده از آن که اغلب از آن به سواد رسانه یاد می‌شود برای افراد میدان ازدواج هم لازم دیده می‌شود.

ما طالب زیبایی هستیم، اگر ما را نکشد!

یکی از دوستانم قصه‌ای را درباره یک زوج تعریف کرد که در ابتدای زندگی و پیش از گرفتن مراسم، فقط برای چشم‌وهم‌چشمی از بانک وام گرفته و آن را برای دو تلفن همراه از یک برند خاص هزینه کرده‌اند و حالا پولی برای مسائل دیگر زندگیشان ندارند. نکته قابل توجه این است که به طور کلی همه ما در هرکجای این میدان که ایستاده باشیم، طالب زیباترین و بهترین اتفاقات، لباس‌ها، غذاها، جواهرات، مراسم و جشن‌ها هستیم. این زیبایی‌ها زمانی رو به زشتی می‌رود که رسیدن به آن تبدیل به یک «باید» و امری ضروری شود. اما بهتر است شرایط، موقعیت، زمان و جهانی که در آن هستیم را در نظر بگیریم و آگاهانه اولویت‌بندی کنیم و دست به انتخاب بزنیم. اولویت‌بندی باعث می‌شود که تمام ظواهر رسم و رسوم و کالا و برنامه‌های مختلف ازدواج به کنار رفته و بر مبنای اولویت‌ها انتخاب کنیم که کدام مراحل ما را به مقصدمان که یک زندگی مطلوب است، می‌رساند.



باید به این نکته توجه داشت که رسم و رسوم ازدواج، امری واجب و ضروری یا برگرفته از دین و قانون نیست که عدم اجرای آن تبعات منفی داشته باشد. این رسم و رسوم برای زیباتر شدن جشن ازدواجی است که ذاتاً برای اطلاع و اشتراک شادی دو فرد برگزار می‌شود. پس نباید تبدیل به یک ریسمان به دور گلو همه افراد درگیر جشن بشود؛ اصل شادی و جمع شدن به دورهم در جشن ازدواج به حاشیه برود رسم و رسوم محدودکننده، خسته‌کننده و پرهزینه‌جایگزین آن شود و برگزاری امری پیچیده و جانکاه شود

